

بسم الله الرحمن الرحيم

مسجدالاقصى و طرح يهودسازى قدس؛ مسئوليت مسلمانان چيست؟

(قسمت هفتم)

در بخش گذشته، اعمال و جنایات‌های صلیبیان جدید و یهود بر ضد بیت المقدس و اطراف آن را که در جریان نخستین ترک وطن دادن را مردم فلسطین در سال 1948م و در اوائل سال‌های ده‌پنجاه انجام پذیرفت، به بحث گرفتیم. در این بخش پیرامون جنایات‌های انجام شده طی این سال‌ها را به پایان می‌رسانیم، مخصوصاً تجاوز و تعدی بر مسجدالاقصى در سال 1967م.

بعد از دوران قیمومیت انگلیس و بعد از اعلام تأسیس دولت یهود در سال 1948م، دسایس یکی پس از دیگری تداوم یافت؛ این دسایس منجر به بعضی از عملکردهای یهود شد، از جمله: همکاری و تعاون همراهی دولت‌های غربی در هیئت ملل متحد و با همکاری حکام مسلمانان و مخصوصاً با همکاری حکام دولت‌های طوق(دولت‌هایی که فلسطین اشغال شده را احاطه دارند: لبنان، سوریه، اردن و مصر). این جنایات سر انجام نتایج ذیل را بیار آورد:

1- تجاوز سه‌جانبه بر مصر با همکاری ارتش یهود در سال 1956م، به گونه‌ای که طیاره‌های انگلیس و فرانسه؛ قاهره، اسکندریه، بورسعید، سویس و اسماعلیه را بمباران کردند و رژیم یهود؛ سیناء و نوار غزه را اشغال کرد و نیروهای مشترک مناطقی را در سویس، بورسعید و کانال سویس اشغال کردند. در این جنگ رژیم یهود شرکت ورزید؛ به دلیل اینکه در مقابل دولت‌های منطقه قدرت‌نمایی کند و نیروهای نظامی خود را برخ‌شان بکشد، مبنی بر اینکه وی قادر است تا هر تحرک و خیزشی را که در محیط اسلامی به پا می‌خیزد خنثی و نابود کند، به ویژه اینکه مصر قدرت بزرگ در منطقه می‌باشد. ثانیاً هدف از اشتراک آن دخیل‌سازی رژیم یهود در نقشه سیاسی منطقه سیاسی و تشویق آن بخاطر مخالفت با سیاست‌های امریکا بود، که این چیز در مذاکرات واپسین اشغال سویس از سوی نیروهای مشترک، بوضوح قابل ملاحظه است.

2- جنگ شش روزه، یا جنگ جنبشی دوم بعد از جنگ سال 1948م که از 5-10 ماه جون سال 1967م ادامه داشت؛ هر یک از عراق، مصر، سوریه و اردن به چنگ یهود در آمد و اشغال شد، بلکه سیناء، غزه و ضفه غربی و جولان برای شان تسلیم داده شد. دیری نگذشت که یهود منبر صلاح الدین ایوبی را با قسمتی از مسجد الاقصى را به تاریخ 21/8/1969م به دست مایکل دینس روغن به آتش کشاندند، این کار تحت نظارت و تشویق صلیبیان و صهیونیست‌های جهان انجام پذیرفت؛ چرا که آن منبر، نماد پاکسازى قدس و فلسطین از وجود صلیبیان بود.

3- یهود در جریان جنگ 1967م و بعد از آن، بسیاری از مردم فلسطین را به ترک وطن مجبور کرد، به گونه که بیشتر از 460 هزار تن فلسطینی از ضفه غربی و نوار غزه آواره شدند. (منبع: اتحادیه عرب، صندوق پول عرب سال 1991م) ناگفته نماند که 230 هزار تن از آنان، پناهندگان و آواره شدگان سال 1948م. بودند، که در اماکنی از ضفه و نوار غزه در خیمه‌های بودوباش داشتند که در وقت اشغال مناطق فلسطین؛ از سوی یهود در امان بود و هنوز اشغال نشده بود. رژیم یهود بیشتر از 726 هزار تن از فلسطینی‌ها را بیرون راند و یا مجبور به مسافرت کرد و آنان جزء پناهندگان 1967م گردیدند. اما تعداد آوارگان و پناهندگان امروزی فلسطینی (2019م)، بر اساس گزارشات خبرگزاری غوث و اشتغال پناهندگان فلسطینی(آرنوا) تقریباً به 5.6 ملیون و بر اساس آمار مرکز احصائیه فلسطین در نیمه سال 2019م تقریباً به 13 ملیون تن می‌رسید. آن‌ها از جمله کسانی بودند که پدران و مادران‌شان به زور و اجبار از فلسطین بیرون رانده شده بودند. امروزه این پناهندگان و آوارگان همواره در شرایط و احوال ناگوار و سختی بسر می‌برند؛ با آنکه از ترک وطن نمودن و آواره کردن شان در روی زمین 70 سال می‌گذرد.

4- همکاری غرب کافر با رهبران مسلمانان در اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی بخاطر وضع نقشه‌های جدید، تا رژیم یهود در سرزمین‌های اسلامی یک جسم خوب محسوب شود. این کار از طریق بعضی از تصامیم

بین المللی و از طریق اتحادیه عرب به پیش می‌رفت. مشهورترین و معروفترین تصامیم بین المللی؛ تصمیم شمار 242 سال 1967م است که از سوی سازمان ملل صادر شد، همان تصمیمی که یهود را قادر ساخت تا قسمت اعظم فلسطین را تحت تصرفش در آورد. این تصمیم، تصمیم صادر شده سال 1947م را که بنام تصمیم تقسیم 181 یاد می‌شد، حمایت و همکاری می‌کرد. اما اتحادیه عرب تصمیمی گرفت که موافق و مطابق به تصامیم صلیبی صهیونستی در حق فلسطین بود و آن تصمیم همان تصمیم اجلاس سران بیروت در سال 2002م بود که رژیم غاصب یهود سال 1948م. در سرزمین فلسطین را بدون هیچ قیمتی به رسمیت شناخت!

5- غرب قضیه فلسطین را از بعد اسلامی بودنش جدا کرد و ابتداء در چارچوب قومی و بعداً منطقه‌ای قرار داد. در آغاز درگیری با صهیونست و صلیبی؛ غرب این درگیری را از طریق حکام مسلمانان یک درگیری قومی قرار داد. یعنی آن را به عنوان یک قضیه و پرونده عربی محدود به اتحادیه عرب کرد و از بعد دینی و مذهبی که در عقیده امت جایگاه ویژه دارد جدایش نمود، و بعد از این جدایی قبیح مسخ آن را یک قضیه منطقه‌ای جلوه داد که مختص به مردم فلسطین می‌گردد و بس. هدفش این بود تا حالت خصومت و جنگ محدود به مردم فلسطین بماند و مقدمه برای تخلیه نهایی مسلمانان از آنجا باشد. در چارچوب این نقشه جنایت‌کارانه، سازمان آزدسازی فلسطین در سال 1964م تأسیس گردید. این سازمان بعد از برگزاری کنفرانس اول عربی فلسطینی در قدس که نتیجه تصمیم کنفرانس سران عرب در سال 1964م در قاهره بود، تأسیس گردید. هدف از آن: تمثیل و اشتراک مردم فلسطین در مجالس بین المللی بود که از طرف سازمان ملل و اتحادیه عرب بعنوان تنها ممثل و نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخته شد.

6- یهود در راستای پایان بخشیدن و از بین بردن تمام فعالیت‌های نظامی با دولت‌های طوق و دولت‌های غربی همکاری را آغاز کرد و این کار از طریق امضاء توافق‌نامه‌های صلح با رژیم یهود عملی شد، که نخستین توافق-نامه‌ها قرار ذیل اند: توافق‌نامه کمپ دیوید بین مصر و رژیم یهود 1978م، توافق‌نامه مادرید 1990م، توافق‌نامه آسلو 1993م و توافق‌نامه وادی عرب 1994م بعد از این توافق‌نامه و معاهدات، قضیه فلسطین مؤول به چارچوب توافق‌نامه‌های بین المللی و پروژه‌های مذاکرات گردید، و مفهوم دفاع و حمایت از فلسطین از میان قاموس دولت-های عربی و سازمان آزدسازی فلسطین از بحر تا نهر آن ملغی گردید.

7- غرب نقشه جدیدی را تحت نام خاورمیانه -یا خاورمیانه کبیر- طرح کرد. این همان نقشه‌ای بود که کوندالیزا رایز وزیر خارجه امریکا در سال 2006م در کنفرانس خبرگزاری در تل آویو و پومپو وزیر خارجه امریکا در اتحادیه قاهره در یک کنفرانس خبری در سال 2019م طالب آن شدند و از بارزترین اموری که این نقشه جدید نسبت به رژیم یهود به میان آورده است: آنچه که امروز جاری‌ست از مقدمات تسریع عادی‌سازی روابط با دولت‌های منطقه مثل دولت‌های خلیج و ایجاد توافق‌های نظامی و تجاری با ترکیه و بعضی دولت‌های دیگر. چنانکه در متن سخنرانی پومپو تذکر داده شد که: «اداره ترامپ در راستای تأسیس تحالف و همپیمانی استراتژی با خاورمیانه فعالیت می‌کند تا که با خطرناک‌ترین تهدیدات موجود در منطقه مقابله و مبارزه کند و در عرصه‌های اقتصادی و انرژی همکاری خود را افزایش دهد. ما نیز تغییر قابل ملاحظه را مشاهده می‌کنیم، روابط جدید به شکلی ریشه‌ای آغاز گردیده که تا به امروز نمی‌توان تصورش کرد. چه کسی چند سال قبل باور می‌کرد که نخست وزیر اسرائیل از شهر مسقط دیدن خواهد کرد؟ یا روابط جدید بین مملکت عربی سعودی و عراق آغاز خواهد گردید؟ و یا که پاپ رم کاتولیکی از این شهر بخاطر دیدار با ائمه مسلمانان و رئیس کلیسا قبطیه دیدن خواهد کرد؟»

همواره موضوع تسریع عادی‌سازی روابط جاری و تازه است. این پیش‌زمینه ایجاد خاورمیانه بزرگ می‌باشد. هدف از این نقشه مطابق به مذاکرات سیاسی جدید؛ طرح‌ریزی و بنای مجدد منطقه می‌باشد و هدف آن در قدم اول؛ دخیل‌سازی رژیم یهود در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه می‌باشد. چگونگی دخالت در عرصه سیاسی؛ توسط ایجاد سازمان خاورمیانه به جای اتحادیه عرب و به جای سازمان کنفرانس اسلامی که رژیم یهود جزئی از آن باشد و از طریق سازمان ملل تحت نظارت بین المللی قرار داشته باشد و در عرصه اقتصادی؛ توسط ایجاد بازار آزاد خاورمیانه که کوندالیزا رایز در پیشنهادات سال 2006م خواهان آن شد و در عرصه نظامی؛ همان چیزی است که پومپو در اتحادیه قاهره آن را طلب کرد و آن عبارت از ایجاد نیروی نظامی مشترک از دولت‌های خاورمیانه و دولت‌های خلیج می‌باشد. ادامه دارد...

نویسنده: استاد حمد طیب

مترجم: محمد مزمل